

جنگ بر سر خزانه مردم

افغانستان، سنگ لاجورد و مبارزه برای ثروت معدنی

**ما در معرض خطر و نفرین مقدار زیادی از منابع طبیعی هستیم<sup>i</sup>.**

محمد اشرف غنی، رئیس جمهوری اسلامی افغانستان.

معادن مربوط به تمام ملت است، این برای همه ما است.

حاجی انور، معدنچی از بدخشان<sup>ii</sup>.

معدن خودش یک جنرال است {.....} مردم را وادار به جنگ می سازد.

حاجی بشیر، یک بزرگ قومی از ولسوالی کران و منجان<sup>iii</sup>.

## خلاصه

معادن ولایت کوهستانی شمال شرقی بدخشان یکی از غنی ترین سرمایه های مردم افغانستان است، یک گنجینه ای فوق العاده که بایستی یک منبع قدرتمند برای توسعه و انکشاف باشد. اما بر عکس، طوریکه یک تحقیق دوساله نشان میدهد؛ این معادن منبع عمده جنگ، کشمکش ها و جریان میلیون ها دالر کمک مالی به گروه های مسلح مخالف و به اشخاص قدرتمند هستند، و یک قسمت بسیار نا چیز از منفعت این معادن به مردم افغانستان می رسد. بدون یک پاسخ منسجم، این معادن – و سایر معادن دیگر مانند اینها در سراسر افغانستان – نه تنها یک فرصت از دست رفته را انعکاس میدهد بلکه همچنان یک تهدید بزرگ برای کل کشور میباشد.

حریفان دخیل در رقابت خشونت آمیز بر سر معادن قدیمی لاجورد بدخشان دو مرد قدرتمند محلی می باشند. هردوی اینها از معادن سوء استفاده نموده با سیاستمداران ملی ارتباط دارند و هردوی شان متهم به داشتن روابط پنهانی با طالبان نیز می باشند. به اساس یک برآورد سطحی ولی موجه، عوایدی که از یک قسمت کوچک بدخشان نصیب این اشخاص قدرتمند و طالبان می گردد برابر است با تمام عواید ابلاغ شده دولت که از تمام سکتور منابع طبیعی بدست میآورد. در حال حاضر، لاجوردی که سهم عمده ای را در بازار جهانی به خود اختصاص داده حالا با هر تعریف منطقی، به یک ماده معدنی جنگ افروز مبدل گردیده است.

این مبارزه برای یکی از منابع است نه مبارزه عقیده: یعنی این یک "جنگ تجاری" است. به هر حال، این کشمکش شرایطی را بوجود آورده که در آن طالبان – یعنی کسانی که با مسئولین محلی دولت اسلامی رابطه تنگاتنگ دارند - تهدید به گرفتن معادن نموده اند، در حالیکه مقدار زیادی از عواید آن را قبلاً نیز کنترل می نمود. و این یکی از اساسی ترین دلایل و علت هایی است برای توجیه اینکه چرا یک ولایتی که در اوج قدرت طالبان در خد مقدم مقاومت قرار داشت حالا به یکی از مناطق پر قدرت و پر نفوذ آنها مبدل شده است. بخاطر جنگ و بی قانونی در اطراف معادن، بیشترین سود، نصیب شورشیان گردیده است.

وضعیت بدخشان، خطرات وسیع مرتبط به منابع طبیعی در سراسر افغانستان را انعکاس می دهد. بهره برداری از معادن بالای خشونت از مزار تا هلمند تأثیر گزار است. معادن دومین منبع بزرگ عایداتی گروه طالبان در سراسر کشور پنداشته می شود، در حالیکه معادن کمتر از 1% عاید دولت در سال 2013 را تشکیل داده است<sup>۱۷</sup>. ذخایر معدنی افغانستان که ارزش آن 1 تریلیون دالر تخمین زده شده است میتواند سالانه 2 بلیون دالر عواید داشته باشد؛ میتواند امیدی برای رشد اقتصادی کشور گردیده و متعاقباً سبب بی نیازی کشور از کمک های خارجی جهت توسعه و انکشاف شود. ولی متأسفانه حالا عکس آن را سبب گردیده – به یک منبع مزمن برای جنگ و فساد مبدل شده در حالیکه عاید اندکی را بوجود می آورد. بهبود اداره کل این سکتور تنها یک موضوع قانونی و یا اخلاقی نیست: این یک مسئله اساسی برای آینده کشور است.

اهمیت و ضرورت این مسئله تاکنون به اندازه کافی در سیاست دولت افغانستان و یا شرکای آن – علی رغم برخی از اظهارات دلگرم کننده اخیر – انعکاس نیافته است. آنها باید این موضوع را در رأس اولویت های خود قرار دهند، نخست با افزایش مسئولیت پذیری، شفافیت و مشارکت محلی در مورد معدن (به ویژه در قانون معادن) و ثانیاً با اولویت دهی به امنیت در ساحات معدن. بدخشان که در آن میزان تهدید و پاداش بالقوه بصورت نامتناسبی بالا هست، نیازمند توجه خاص می باشد – اگرچه اصلاحات برای کل کشور ضروری است. ولی با تطبیق برخی از تدابیر حفاظتی ابتدایی و اساسی که تاکنون به اجرا نرسیده، انجام اقدامات موثرتر امکان پذیر است.

لاجورد و تورمالین: جواهرات تاج

موسسه گلوبل ویتنس دو کانی مهم را در ولایت بدخشان مورد تحقیق و مطالعه قرار داد که عبارتند از لاجورد و تورمالین(بیروج) – سنگهای تزئینی نیمه قیمتی که عمدتاً به چین صادر می گردد. اگرچه گزارش این مؤسسه بالای

معادن لاجورد در ولسوالی کران و منجان متمرکز است ولی معادن تورمالین (بیروج) که در نزدیکی معادن لاجورد و در دیو دره قرار دارند، مشکلات مشابهی را بوجود آورده است.

رقابت میان گروه های مسلح و رهبران سیاسی بر سر منابع طبیعی بدخشان دارای سابقه طولانی است. حاجی عبدالملک قومندان امنیه ولسوالی که یکی از قومندان سابق حزب جمعیت اسلامی می باشد در ماه جنوری سال 2014 کنترل معادن لاجورد را به دست گرفت. ولی کنترل دولت قبل از آن تنها پوششی بود که در عقب آن یکی دیگر از قومندانان سابق حزب جمعیت و عضو پارلمان از ولایت بدخشان به نام زلمی مجددی، معادن را استخراج می کرد. گفته می شود که زلمی مجددی عملاً کنترل پولیس رسمی و پولیس محلی، بشمول پولیس حفاظت از معادن را که توسط برادرش اسد الله مجددی رهبری می شد و قبل از سال 2014 قوه کلیدی در ولسوالی کران و منجان بود، در اختیار دارد. یک عضو دیگر پارلمان و تاجر سابق لاجورد و رئیس فعلی کمیسیون منابع طبیعی پارلمان بنام ذکریا سودا یک بازیگر کوچک ولی فعال این ماجرا است. نهایتاً، حضور طالبان و اخیراً هم حضور دولت اسلامی ویا داعش در مناطق معادن رو به گسترش است.

#### یافته های کلیدی مؤسسه گلوبل ویتنس عبارتند از:

- به اساس تخمین های سطحی ولی محافظه کارانه در سال 2014 دو ساحه معدنی دیو دره و کران و منجان به تنهایی حدود 20 میلیون دالر برای گروه های مسلح فراهم ساخت - که مساوی است با تمام عواید اعلان شده دولت از سکتور معادن در سال 2013. این مبلغ شامل مقدار 18 میلیون دالر مربوط قومندان ملک و سایر گروه های مسلح مرتبط با وی ، و بیشتر از 1 میلیون دالر مربوط به هریک از گروه های طالبان و دیگر گروه های مسلح که عمدتاً وابسته به زلمی مجددی پنداشته می شود، می گردد.
- در سال 2015 گروه های مسلح تقریباً 12 میلیون دالر از سنگ لاجورد بدست آورده اند، با وجود ممنوعیت دولت در اوایل سال 2015، قاچاق وسیع از طریق دره پنجشیر همچنان صورت می گرفت. طالبان سهم شانرا همزمان با افزایش قدرت شان به تخمیناً 4 میلیون دالر ازدیاد بخشیده اند. به اساس گزارش ها تا اواسط سال 2016 پرداخت ها به طالبان حد اقل به 50% عواید معادن رسیده است.
- منابع طبیعی عامل کلیدی بی ثباتی هستند، رقابت بالای معادن مستقیماً موجب یک سلسله خشونت ها در بدخشان گردیده، و کل یک ولسوالی را برای مدت دو سال از کنترل دولت خارج ساخته است. سوء استفاده از معادن، بالخصوص عدم منفعت معدن برای اهالی منطقه، زمینه را برای تسلط ملک بر معادن کران و منجان در سال 2014 فراهم ساخت. یک بزرگ قومی اظهار نمود، " مردم از حقوق شان در معدن محروم شده بودند (....) و اکثریت مردم از کودتا حمایت میکردند.
- نارضایتی های مشابه مردم را وادار ساخت تا از طالبان حمایت کنند. مردم " دیدند که منابع زیر زمینی و ثروت عامه در دست و کنترل غارت گران قرار گرفته است: " یک معدن کار گفت: آنها طالبان را انتخاب کردند (...). بخاطر انتقام گرفتن. " عواید معادن، و تاثیرات مخرب آن بالای مشروعیت دولت و یکپارچگی اداره محلی و نیروهای امنیتی، کمک کرد تا طالبان فراتر از آنچه که آنها در اوج قدرت شان در دهه 1990 می توانستند در بدخشان نفوذ پیدا کنند. همچنان نشانه های قابل اعتنایی وجود دارد مبنی بر اینکه مناطق که معادن در آن قرار دارد یکی از اولویت های استراتژیکی دولت اسلامی در بدخشان نیز هست.

- **تنها از معادن کران و منجان و دیو دره، دولت افغانستان حد اقل از 18.1 میلیون دالر عواید در سال 2014 محروم گردیده و تقریباً 95% در آمد های با القوه خود را در نتیجه استخراج غیر قانونی، قرارداد های غیر منظم، و ارزش گذاری نادرست و رسمی بسیار پایین سنگ لاجورد، از دست داده است. حدود 2.4 میلیون دالر ظاهراً تنها از یک کاروان در اوایل سال 2015 از دست رفته است. کم تحویلی گسترده مالیات به یک روال عادی تبدیل شده، و چندین منبع مقامات دولتی را به فساد اداری متهم ساخته است. وزارت معادن خودش نمی تواند عواید مجموعی سنگ لاجورد را ارائه کند، که خود این ناتوانی، یک نگرانی جدی است.**
  - **چندین منبع ادعا می کند که اسدالله مجددی قبل از سال 2014 یعنی هنگامی که وی کنترل معادن لاجورد را در دست داشت از استخراج غیر قانونی سنگ لاجورد سود زیادی حاصل نموده، همچنان ایشان و نیرو های زیر کنترل وی با تهدید و ارعاب، مفاد معدن تور مالین در ولسوالی جرم را نیز اخذ نموده اند.**
  - **زلمی مجددی و قومندان ملک روابط نزدیک با شبکه های سیاسی بلند رتبه دارند. وزیر دفاع پیشین بسم الله محمدی نیز متهم به ارتباط با قومندان ملک حتی بعد از گرفتن معادن توسط موصوف می باشد، و پنداشته می شود که از تجارت سنگ لاجورد همراه با دیگر اشخاص سیاسی، سود می برد. البته بعضی از منابع با این دیدگاه مخالف است، و مؤسسه گلوبل ویتنس نتوانست کدام منبع مستقلی را برای تأیید و یا رد این دیدگاه بیابد.**
  - **قرار داد های خیلی مشکوک لاجورد و تورمالین نیاز به وضاحت و شفافیت بیشتر دارد. یک قرارداد منتشر نشده که استخراج لاجورد در ولسوالی بهارک را به برخی افراد اجازه می دهد از سوی یک مقام ارشد محلی غیر قانونی دانسته می شود. شواهد نشان می دهد که اعضای فامیل مجددی از این استخراج غیر قانونی منفعت می برند. عقد یک قرار داد تورمالین توسط کمپنی بین المللی استخراج معدن بنام پامیر بدخشان رسمی تر بوده ولی عواید مالیاتی بسیار اندک برای دولت خلق کرده است، و ظاهراً این قرار داد در کنترل عضو پارلمان ذکریا سودا می باشد.**
  - **منابع مختلف همچنان ادعا می کنند که زلمی مجددی بصورت پنهانی در کمپنی معدن لاجوردین که یگانه قرار داد رسمی لاجورد بدخشان را در اختیار دارد؛ سهم می باشد. در سال 2014 دولت افغانستان یک سلسله محدودیت های مشکل ساز را به اجرا گذاشت اما با وجود تصرف و کنترل معدن توسط قومندان ملک، حمل و نقل لاجورد توسط کمپنی معدن لاجوردین همچنان ادامه یافت، گرچه مشخص نیست که آیا کمپنی مذکور از این نقش خویش منفعت عمده ای را بدست آورده است یا خیر. بهر حال این تعاملات به پایان رسید و در اوایل 2015 قرارداد شرکت لاجوردین بحالت تعلیق در آمد، و لی احتمالاً، تلاش های سیاسی زیادی برای آینده آن ادامه خواهد داشت.**
- ذکریا سودا و اسد الله مجددی هر دو دخالت در استخراج معادن بدخشان و همراهی با گروه های مسلح را انکار می کنند<sup>vi</sup>. زلمی مجددی شدیداً این اتهامات را رد کرده، و میگوید که منابع معلوماتی بی طرف نیست، این معلومات توسط مخالفین سیاسی و یا رقبای وی ارائه شده و یا هم تحت نفوذ آنها قرار گرفته؛ این مسائل جز یک تبلیغات منفی چیزی بیش نیست<sup>vii</sup>. وی همچنان یک کاپی از سند خلاصه تصمیم کمیسیون شکایات مطبوعاتی را نشان داد که علیه یک رسانه که اتهامات مشابه را پخش کرده بود، صادر شده است<sup>viii</sup>. جنرال محمدی در این رابطه ابراز نظر نکرده است، در حالیکه نتوانستیم به قومندان ملک تماس بگیریم، تا نظرات وی را داشته باشیم، اگرچه موصوف در اظهارات عمومی، استفاده طالبان از سنگ لاجورد و نیز استخراج غیر قانونی گسترده معادن را انکار می نماید.
- بسیاری از نگرانی ها و مشکلات ذکر شده فوق در سراسر افغانستان وجود دارد، و هزاران معدن غیر قانونی وجود دارد که خارج از کنترل دولت میباشد<sup>ix</sup>. اگرچه مقایسه های مستقیم میتواند گمراه کننده باشد اما یک خطر واضح وجود دارد مبنی بر اینکه افغانستان شاید دچار جنگ های طولانی ناشی از این منابع گردد؛ جنگ های که در سایر مناطق جهان

خیلی ها مخرب و ویرانگر بوده است. مشکلات مشخص مربوط به معادن با چالش های عمیق تر جنگ ، فساد اداری و ضعف نهاد های رسمی افغانستان ارتباط نزدیک دارد. اما این بدان معنی نیست که اقدامات عملی بی فایده است: یک سلسله پالیسی های عملی وجود دارد که میتوان با اتخاذ آنها خطرات مرتبط به استخراج معادن را بدون تقاضای غیر واقعی از ظرفیت دولت؛ کاهش داد.

## نشانه های امیدواری ؟

امید واری های وجود دارد که دولت افغانستان به این چالش ها پاسخ دهد. رئیس جمهور اشرف غنی، در مورد مشکلات و خطرات منابع طبیعی با وضاحت جدی صحبت نموده است ، و در ماه می 2016 دولت افغانستان یک سلسله تدابیر جدید را به شمول پلان ها و برنامه های برای نشر معلومات پیرامون مالکیت نهایی شرکت ها اعلان نمود.

اگرچه این زمینه و تهدابی را برای اصلاحات فراهم می سازد، ولی در حال حاضر دولت باید یک تعداد از تدابیر حفاظتی ابتدایی را روی دست گیرد – مثلاً تقویت قانون معادن، انتشار معلومات مربوط به استخراج معادن، تقویت ظرفیت نظارت، و حمایت از نظارت مردمی بر معادن.

استخراج غیر قانونی همچنان گسترده باقی مانده و مقامات قدرت مند دخیل در آن یا اصلاً پاسخگو نیستند و یا بسیار اندک حساسه می باشند، و قاچاق وسیع سنگ لاجورد از طریق دره پنجشیر همچنان ادامه دارد. دونه ها و اهدا کنندگان کمک ها تا هنوز میلیون ها دالر را صرف ترویج معدن کرده اند، اما با چند مورد استثنایی قابل احترام، این کمک ها بجای پرداختن به چالش های اساسی مدیریت معادن که در این مرحله تهدید خیلی جدی است بیشتر بر رفع موانع در برابر قراردادهای جدید متمرکز بوده است.

دولت با چالش های بزرگی مواجه است، و نمی تواند کنترل واقعی هزاران معدن غیر قانونی در افغانستان را یک شبه به دست آورد. سوال این جااست که آیا به مشکلات مربوط به معادن الویتی که نشان دهنده اهمیت آنها باشد داده می شود - و اینکه آیا دولت چیزهایی را که نسبتاً آسان است مانند اصلاح قانون معادن انجام می دهد. در صورتیکه اراده ای برای عمل وجود داشته باشد، اصلاح پایدار این سکتور می تواند میلیون ها دلار عواید را ببار آورده و زندگی مردم عادی افغانستان را بهبود بخشیده و کمک کند تا تهداب های یک ثبات پایدار پایه گذاری شود. آغاز مبارزه برای آینده افغانستان از استخراج معادن یک ساحه نادرست نیست.

## پیشنهادات و توصیه ها برای دولت افغانستان

### بدخشان

- بدخشان را در اولویت کوشش های خود قرار بدهد تا حاکمیت قانون مجدداً بر آن ایجاد گردد، نظارت بر استخراج معادن را اصلاح ساخته ، شرایط را برای تجارت مشروع و افزایش درآمد فراهم سازد.
- استفاده از تمام روش های صلح آمیز برای بدست آوردن کنترل دوباره بر کران و منجان، از جمله جلوگیری از تجارت لاجورد از طریق ولایت پنجشیر را روی دست گیرد. از هر گونه معامله با بازیگران محلی که سوء استفاده فعلی از معادن را بصورت مؤثر رفع نمی سازند، جلوگیری شود.
- گروه های مسلح طرفدار دولت در بدخشان مورد بررسی قرار گرفته و پاسخ گو و حساسه ساخته شوند. نیروی حفاظت معدن باید تحت رهبری جدید قرار گرفته و به عنوان بخشی از یک نیروی آموزش دیده مستقل و پاسخگو دوباره بازسازی شود. گروه های پولیس محلی افغانستان (ALP) که در سوء استفاده از معادن دخیل هستند؛ منحل گردد.

- از قراردادهای بهارک با شرکت های PBIM و LMC، بررسی شفاف و درست صورت گرفته و در صورت تأیید سوء استفاده های جدی، از آنها حسابگیری شود. از قربانی کردن تاجران بخاطر سوء استفاده های که عمدتاً مربوط به گروه های مسلح می باشد؛ اجتناب گردد.

### شفافیت و مسولیت پذیری

- قانون استخراج معادن افغانستان باید طوری اصلاح شود که انتشار تمام قراردادها و اسناد فرعی آنها یکی از ملزومات و ضرورت های اساسی برای اعتبار قرار داد ها باشد. صدور جواز و جمع آوری عواید توسط دفاتر محلی وزارت معادن، حذف گردد.
- یک الزام قانونی واضح ایجاد شود تا افراد ذینفع مالکیت هر شرکت که برای قراردادهای مهم دولتی از جمله امتیاز استخراج معادن درخواست میکند، باید منتشر گردد.
- قانون به گونه ای اصلاح شود تا انتشار اطلاعات پرداخت بین شرکت ها و دولت افغانستان در رابطه به پروژه، و تولید مواد معدنی، یکی از ضرورت ها و ملزومات قرار داد باشد. نشر گزارش های مالی تفتیش شده سالانه شرکت های استخراجی بزرگتر نیز الزامی باشد. و برای تمام پرداخت های سکتور استخراج معادن تنها یک حساب، اختصاصی و شفاف ایجاد گردد.
- ظرفیت نظارتی و مدیریت معلوماتی وزارت معادن بصورت فوری باید تقویت شود. وزارت باید استانداردهای اولیه معلومات و انتشار عواید و سایر معلومات مربوطه را در ظرف شش ماه تطبیق نماید.

### مردم محل

- یک برنامه برای نظارت مردم بر معادن طرح ریزی گردد. یک فیصدی کوچکی از درآمد قانونی یک معدن به طور مستقیم به مردم محل اختصاص داده شود تا آنها به استخراج قانونی کمک کنند. به مردم محل سهم بیشتر در استخراج معادن داده شود، مثلاً در حل اختلاف، مشاوره و اشتغال محلی.

### امنیت

- کران و منجان و سایر مناطق معدنی در سرتاسر افغانستان باید در محراق توجه پالیسی امنیتی قرار داده شود تا از استخراج غیر قانونی معادن توسط گروپ های مسلح بصورت مناسب جلوگیری بعمل آید. در ولسوالی کران و منجان قوت های قابل اعتبار از اردوی ملی موظف شوند تا امنیت معدن را تا زمان اصلاح قوه محافظوی معادن (MPF) را تأمین نماید.

### توصیه ها برای شرکای بین المللی افغانستان

- تقویت اداره و مدیریت سکتور استخراج معادن را یک اولویت اصلی برای تعامل با دولت افغانستان قرار داده، و برای تکمیل تدابیر جدی در شاخص های اساسی حسابدهی متقابل کار کنند. دولت را در برابر تعهدات آن برای اصلاحات پاسخگو ساخته و در عین زمان از تلاش ها و اقدامات دولت حمایت قوی و همانگ نماید.
- با دولت افغانستان برای ارائه کمک های فنی، مالی و سایر حمایت ها جهت مدیریت قوی استخراج معادن کار نموده و اصلاحات قانونی و بالا بردن ظرفیت نظارت اولویت دهند.
- با دولت افغانستان جهت تطبیق سلسله ملزومات عرضه و قرار داد کار نموده و از تجار تیکه می تواند بصورت جدی موجب بروز جنگ و سوء استفاده گردد، با تأکید اولیه بالای سنگ لاجورد، جلوگیری نماید. کمیته تحریم های ملل متحد باید بالای ارتباط سنگ لاجورد و تمویل گروه های تحت حمایه مالی آن تحقیق نماید.

برای معلومات مزید در رابطه به مسائل مطرح شده در این گزارش، لطفاً گزارش کامل را در سایت ذیل مطالعه نمایید.

[www.globalwitness.org/Afghanistan](http://www.globalwitness.org/Afghanistan)

- <sup>i</sup> رونوشتی از اظهارات رئیس جمهور محمد اشرف غنی در کنفرانس اتحادیه اروپا با موضوع: راه پیش روی مبارزه با فساد اداری در افغانستان، ریاست جمهوری اسلامی افغانستان، 5 ماه می 2016. <http://president.gov.af/en/news/transcript-of-his-excellence-president-mohammad-ashraf-ghanis-remarks-at-european-union-conference>
- "رونوشتی از مصاحبه رئیس جمهور اشرف غنی" رادیو ملی، 23 ماه مارچ سال 2015
- <http://www.npr.org/2015/03/23/394731637/transcript-nprs-interview-with-afghan-president-ashraf-ghani>
- <sup>ii</sup> مصاحبه مؤسسه گلوبل ویتنس با حاجی انور (اسم مستعار)، یکی از معدن کاران با تجربه لاجورد و سنگ های قیمتی، افغانستان، ماه می 2014
- <sup>iii</sup> حاجی بشیر (اسم مستعار) یکی از منتقدین ولسوالی کران و منجان، بیاد می آورد که در روز های نخست جنگ بین مجاهدین و روس ها، یک افسر نظامی روسی در مورد لاجوردی که شهرت این ولسوالی است گفته بود: "این معدن خودش یک جنرال است یک جنرال جنگی (...). این معدن خودش مردم را وادار به جنگ می سازد. این یک سخن آگاهانه بود. مصاحبه گلوبل ویتنس با حاجی بشیر یک منتقد قومی و عضو شورای ولسوالی، افغانستان 2014.
- <sup>iv</sup> به اساس بانک جهانی، عواید افغانستان در سال 2013 حدود 109.4 میلیارد افغانی بود، که تقریباً برابر است با 2 میلیارد دلار. عواید بخش استخراج معادن در سال 2013 حدود 1.25 میلیارد افغانی بود. به اساس EITI - این رقم شامل عواید گاز و نفت و همچنان استخراج معادن می باشد، ولی عواید بعضی از تصدیهای دولتی ظاهراً در این رقم شامل نمی باشد. گزارش اقتصادی افغانستان 2015، بانک جهانی، اپریل 2015، صفحه 10-12. [http://web.archive.org/web/20150911111046/http://www-wds.worldbank.org/external/default/WDSContentServer/WDSP/IB/2015/05/15/090224b082e8582d/2\\_0/Rendere;d/PDF/Afghanistan0economic0update.pdf](http://web.archive.org/web/20150911111046/http://www-wds.worldbank.org/external/default/WDSContentServer/WDSP/IB/2015/05/15/090224b082e8582d/2_0/Rendere;d/PDF/Afghanistan0economic0update.pdf)
- گزارش آغازین و چهارمین گزارش "ابتکار شفافیت سکتور معادن افغانستان، 6 فیروری 2016، صفحات 6 و 9 و 60؛ <http://aeiti.af/Content/Media/Documents/AEITIFourthReconciliationReport139113926220162496931553325325.pdf>
- <sup>v</sup> عواید سکتور استخراج معادن در سال 2013 حدود 1.25 میلیارد افغانی بود، که به اساس EITI حدود 20 میلیون دلار می باشد. این مبلغ شامل گاز و نفت و همچنان معادن بوده و دریافت های گمرکات و عواید بدست آمده از تصدیهای دولتی را نیز احتوا می کند. این مبلغ همچنان عواید بدست آمده توسط وزارت مالیه و همچنان وزارت معادن را نیز احتوا می کند. "گزارش اقتصادی افغانستان، 2015، بانک جهانی، اپریل 2015 صفحات 10-12. [http://web.archive.org/web/20150911111046/http://www-wds.worldbank.org/external/default/WDSContentServer/WDSP/IB/2015/05/15/090224b082e8582d/2\\_0/Rendere;d/PDF/Afghanistan0economic0update.pdf](http://web.archive.org/web/20150911111046/http://www-wds.worldbank.org/external/default/WDSContentServer/WDSP/IB/2015/05/15/090224b082e8582d/2_0/Rendere;d/PDF/Afghanistan0economic0update.pdf)
- گزارش آغازین و چهارمین گزارش "ابتکار شفافیت سکتور معادن افغانستان، 6 فیروری 2016، صفحات 6 و 9 و 60؛ <http://aeiti.af/Content/Media/Documents/AEITIFourthReconciliationReport139113926220162496931553325325.pdf>
- <sup>vi</sup> مصاحبه گلوبل ویتنس با ذکریا سودا، عضو پارلمان افغانستان، دسامبر 2014. اظهارات اسدالله مجددی به تاریخ 18 اپریل 2016 دریافت شد و یک کاپی آن نزد گلوبل ویتنس موجود می باشد. ذکریا سودا مستقیماً به پرسش در مورد اتهامات پاسخ نداد. در یک مصاحبه در ماه دسامبر 2014 وی گفت که دیگر با شرکت پامیر بدخشان ارتباط ندارد. همچنان ایشان گفتند که کمپنی مذکور دیگر فعال نیست. "ما تنها یک تعداد محافظ داریم". این واضح نبود که آیا هدف آن همان کمپنی بین المللی معدن پامیر بدخشان بود و یا شرکت سنگ مرمر بدخشان، زیرا یک معدن کاری محلی اظهار داشت که شرکت سنگ مرمر بدخشان نیز توسط ذکریا سودا اداره می شود. از ایشان در مورد ارتباط احتمالی با یک گروه مسلح کوچک محلی سوال نشد، و ایشان نیز در این مورد توضیح نداد. مصاحبه گلوبل ویتنس با ذکریا سودا، دسامبر 2014، مصاحبه گلوبل ویتنس با غلام محمد (نام مستعار)، یک سرمایه گذار در معدن و متشبهت از بدخشان، ماه می 2014.
- <sup>vii</sup> مکاتبات از طریق پست الکترونیکی با زلمی مجددی، 7 اپریل 2016، کاپی آن نزد مؤسسه گلوبل ویتنس موجود می باشد.
- <sup>viii</sup> متن مکتوب کمیسیون رسیدگی به شکایات مطبوعاتی وزارت اطلاعات و فرهنگ جمهوری اسلامی افغانستان، قسماً بیان می کند:

مکتوب شماره 6666 مورخ 1393/10/6 از ریاست روابط دولتی به وزارت اطلاعات و فرهنگ واصل گردید و عطف مکتوب نمبر 8-48 مورخ 1393/9/30 که به تعقیب تصمیم کمیسیون امور دینی، فرهنگی، معارف و تحصیلات عالی ولسی جرگه در مورد گزارش نشر شده توسط یک گزارشگر بنام ولی آرین از تلویزیون 1 صادر شده و مدعی است که آقای زلمی مجددی عضو پارلمان و نماینده مردم ولایت بدخشان، با حدود 300 جنگ جوی مسلح غیر مسؤل در ارتباط است و از عواید سنگ لاجورد بدخشان مستفید می شود.

این کمیسیون قضیه شکایت زلمی مجددی وکیل مردم بدخشان علیه تلویزیون 1 در پالمان را به تاریخ 1393/10/8 مورد بحث قرار داد و از رئیس تلوزیون 1 خواست تا در این جلسه به تاریخ 1393/10/10 اشتراک نماید. بخاطر عدم حضور نماینده و با رئیس تلویزیون 1، این جلسه به تاریخ آینده موکول شد، اما باز هم رئیس تلویزیون 1 در جلسه مورخ 1393/10/15 حاضر نشد.

این کمیسیون گزارشی را که از تلویزیون نشر شده بود مرور نمود. در نتیجه مشخص شد که شکایت درج شده توسط زلمی مجددی به حق بوده و تمام اتهامات وارده بر ایشان خلاف مقررات رسانه ها و خلاف قانون خبرنگاری بوده و نقض نشرات پنداشته می شود. قضیه به لوی خارنوالی ارجاع گردید تا علت اصلی نشر این گزارش را مورد تحقیق قرار داده و پیدا نماید.

مکتوب بدون تاریخ کمیسیون سمع شکایات مطبوعاتی از زلمی مجددی عضو پارلمان دریافت شد (ترجمه غیر رسمی) در دوسیه نزد مؤسسه گلوبل ویتنس حفظ می باشد.

<sup>x</sup>. تخمین های معادن غیر قانون خیلی ها متفاوت است. نهاد دیدبان شفافیت افغانستان بر آورد می کند که تعداد این معادن به 1400 تا می رسد درحالیکه وزیر معادن اظهار می نماید که حدود 10000 معدن در اختیار دولت قرار ندارد، و ممکن است مورد دستبرد قرار گیرد. برای معلومات بیشتر به مقدمه ای از معرفی معادن خارج از بدخشان که ممکن است گروه های مسلح غیر قانونی را تمویل کند، مطالعه نمایید. الطاف نجفی زاده " طالبان سرمایه معدنی افغانستان به ارزش 1 تریلیون را قبضه می کنند" مجله تجار تی بلومبرگ، 20 اکتوبر 2015.

2015 <http://www.bloomberg.com/news/articles/2015-10-20/taliban-winning-race-to-capture-1-trillion-afghan-mining-riches>; Suliman Faizi, 'Illegal Mining in Afghanistan at an All-Time High', Al Rasub, July 17, 2013 <http://www.alrasub.com/illegal-mining-afghanistan-all-time-high/>